

چالش زایمان تقویمی و آن سوی ناپیدای بحران!

31 فروردین 1402

حرف امروز و دیروز نیست، 1/1/1401 هم بود، 8/8/1388 هم بود، هزاران روز و ماه و سال دیگر هم این وسط بوده است و حالا در يك بزنگاه دیگر هستیم، 2/2/1402.

يك بار دیگر وزارت بهداشت شروع به کشیدن خط و نشان کرده است، مردم، بیمارستان‌ها و زایشگاه‌ها را تهدید می‌کند. به مردم در رسانه‌ها می‌گویند که تنظیم زمان زایمان موجب مشکلات غیرقابل جبران برای مادر و فرزند می‌شود، به بیمارستان‌ها و زایشگاه‌ها می‌گویند اگر زایمان تقویمی انجام شود، با آنها برخورد می‌کنند. حتی به پزشکان هم تذکر می‌دهند که از برنامه‌ریزی زایمان خودداری کنند. با در نظر گرفتن مجموعه اقداماتی که وزارت بهداشت سالانه علیه زایمان تقویمی انجام می‌دهد، روشن می‌شد که واکنش وزارت بهداشت به موضوع زایمان تقویمی، از جایی وسط داستان شروع می‌شود. بر اساس گزارش‌های بیمارستانی قضاوت می‌کنند که مردم قصد دارند زایمان‌هایشان را برنامه‌ریزی کنند تا تاریخ تولد بچه‌هایشان رند شود. بر این اساس سراغ بیمارستان‌ها و پزشکان می‌روند که آنها را با تهدید از دست زدن به تنظیم زمان زایمان باز دارند. در رسانه‌ها هم به مردم می‌گویند این کار خطرناک است، اما به این مساله اهمیت نمی‌دهند که مردمی که قصد تنظیم زمان زایمان را دارند نه به اخبار و گفته‌های این و آن در رسانه‌ها، بلکه به میلی مبهم در مورد تولد تقویمی و بعد از آن به توصیه‌های پزشکان زنان و زایمانی که قرار است زایمان زیر نظر آنها انجام شود توجه می‌کنند، نه هیچ کس دیگری.

شاید علت اینکه وزارت بهداشت سال‌هاست در متوقف کردن زایمان‌های تقویمی درجا زده، دقیقاً همین باشد که آقایان کتاب را از میانه باز کرده‌اند، در نتیجه راه‌حلی که ارائه می‌کنند، شامل نیمی از مساله است، وقتی مجهول‌ها سر جای‌شان بمانند، تعجبی ندارد که از الان نگران زایمان تقویمی در 3/3/1403، 4/4/1404 و از این دست باشیم.

آنچه وزارت بهداشت و سایر سخنگویان این حوزه در مورد زایمان تقویمی نادیده می‌گیرند همان «میل مبهم به تاریخ رند» است، در رسانه‌های رسمی تلاش می‌شود برنامه‌ریزی کردن زایمان را اقدامی احمقانه و نشان‌دهنده سرمایه فرهنگی پایین بنامند تا از این طریق از جذابیت‌های آن کم کنند، این رویه اگر پاسخ داده بود بعد از ده‌ها سال تحقیر زایمان تقویمی و برنامه‌ریزی شده باید نشانی از پشیمانی در کسانی که دست به

می‌زنند یا اقلاً نشانه‌ای از کاهش این برنامه‌ریزی در میان خانواده‌ها دیده می‌شد. به نظر می‌آید عدم درکی که نسبت به «میل مبهم به تاریخ رند» وجود دارد، دلیل ناتوانی در حل مساله است. میل به زایمان تقویمی، نه تنها در خرافاتی در مورد رمز اعداد ریشه دارد، بلکه از ناخودآگاه فردی و جمعی در مورد «اسطوره تولد قهرمان» هم ناشی می‌شود. اسطوره‌های تولد قهرمان که اتو رانک روانکاو اتریشی در کتابی به همان نام آنها را جمع کرده است، به این مساله اشاره دارد که در تمام طول تاریخ «قهرمان» از بدو تولد و حتی پیش از آن «قهرمان»، خاص، یگانه و متمایز بوده است. این خاص بودگی وجوه مختلفی را شامل می‌شود که یکی از آنها زمان و ساعت تولد است. اگر همین يك انگاره در خودآگاه و

ناخودآگاه جمعی ما وجود داشت هم می‌توانست به تنهایی توضیح‌دهنده این مساله باشد که چرا مردم میل دارند زایمان‌های برنامه‌ریزی شده و تقویمی داشته باشند، اما دلایل بسیار متعدد دیگری هم در این مورد مطرح است. بالطبع همه بچه‌هایی که در تاریخ‌های رند به دنیا می‌آیند اسکندر نمی‌شوند، والدین هم از این مساله به خوبی خبر دارند، پس چرا اصرار به زایمان تقویمی تمام نمی‌شود؟

شاید توضیحات دیک هبداچ، محقق فرهنگ عمومی در این مورد قانع‌کننده‌تر از توضیحات اتو رانک و ایده اسطوره تولد قهرمان باشد. هبداچ در تحقیقات خود به این مساله می‌پردازد که افراد در مواجهه با فرهنگ مسلطی که تلاش می‌کند آنها را یکرنگ و همسان کند چگونه واکنش نشان می‌دهند. تلاش بدون توقف برای کسب هویت مستقل، یک واکنش دفاعی نسبت به انکار فردیت است. وقتی فرهنگ مسلط به دنبال یکدست‌سازی است و امکانات قابل ملاحظه‌ای برای تخطی از این یکدست‌سازی و کسب فردیت وجود ندارد یا تلقی این است که امکانات قابل ملاحظه‌ای برای کسب فردیت وجود نخواهد داشت هر چیزی می‌تواند دستمایه‌ای برای جدا کردن «خود» از همگان و پیدا کردن عنصر تمایزبخش قرار بگیرد. این تلاش می‌تواند تا برنامه‌ریزی برای خاص و متفاوت کردن «تاریخ تولد» هم پیش برود. شما ممکن است نتوانید در مورد لباس خودتان تصمیم بگیرید، ممکن است نتوانید رشته تحصیلی که شما را از دیگران جدا می‌کند، انتخاب کنید یا در ساختن مسیر آینده‌تان مستقل از باورهای رایج عمومی حرکت کنید، اما اگر تاریخ تولد خاصی داشته باشید چي؟ این تاریخ تولد همیشه با شما می‌ماند و همیشه بیشتر از یکسری عدد تصادفی جلب نظر می‌کند. آیا این شروع خوبی برای امیدواری به متفاوت بودن و متفاوت شدن از جمع نیست؟

به نظر می‌رسد که بخش مهمی از مردم جامعه تصمیم گرفته‌اند که این اعداد تاریخ تولد، چنین خاصیتی دارند و وزارت بهداشت و توصیه‌های ارشادی و القایی و انواع و اقسام تهدیداتش هم نمی‌تواند جلوی این باور را سد کند. عجیب است که این مساله ساده که ایجاد تغییر در متغیرهای اجتماعی الزاما به نتایج مورد نظر ختم نمی‌شود، برای بسیاری هنوز جا نیفتاده است. توهم امکان برنامه‌ریزی عمومی برای همگان، تلاش بی‌شائبه برای یکدست‌سازی از بالا، انکار و سرکوب تفاوت و فردیت، تنها به مقاومت در دوران نوجوانی و تغییر اسم در دوران جوانی، استفاده از دو اسم یکی روی کارت‌های شناسایی و دیگر روی دفترهای مشق و تلفن ختم نمی‌شود. تنها هزینه تلاش برای یکسان‌سازی، فرار از زیر بار سلطه فرهنگی به هر قیمت و هر وسیله‌ای است و بسیاری از این وسیله‌ها و هزینه‌ها می‌تواند خسارت‌های جانی و رشدی به همراه داشته باشد که با صدور بخشنامه‌های سالی یک‌بار هم برطرف نمی‌شود. آیا وزارت بهداشت می‌تواند چالش تولد تقویمی را برطرف کند؟ این مساله که تا به حال از صدور ابلاغ و دستور کاری بر نیامده باید روشن کند که در مساله تولدهای تقویمی هم مثل تقریبا همه مسائل دیگر فرهنگ عمومی با بگیر و ببند نمی‌توان کاری از پیش برد.

شاید وقت آن رسیده باشد که تولدهای تقویمی هم به جای اینکه مساله‌ای «پزشکانه» در نظر گرفته شوند، مساله جدی اجتماعی و فرهنگی تلقی شوند و از متخصصان میان‌رشته‌ای برای تفسیر و پیدا کردن راه‌حلی برای آن دعوتی به عمل بیاید.

فاطمه کریمخان